

## اشاره

مفاهیمی چون توسعه و یا توسعه‌نیافتگی مباحثی بسیار جدی است که فاصله بین کشورها و مناطق مختلف جهان را مشخص می‌سازد. این مفاهیم در چارچوب توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی چنان پر دامنه و وسیع است که پرداختن به تمامی آنها نیازمند بررسی و مذاقه‌ای فراوان است.

بدین ترتیب مطرح شدن مباحث مربوط به توسعه‌نیافتگی و توسعه‌نیافتگی و گسترش دامنه آن باعث شده است تا تعداد بسیاری از اقتصاددانان به حوصل محور این مفاهیم کشیده شوند!

## پهرووی

اقتصاددانانی که در مباحث توسعه اقتصادی شرکت جسته‌اند، به دو گروه قابل تقسیم هستند: گروه اول عبارتند از: اقتصاددانان لیبرال نظیر کلود لوی، کونین کلارک و... گروه دوم شامل اقتصاددانان سوسیالیست و سوسیالیست‌های پرورشیافته در غرب که از آن جمله می‌توان موریس داب - پل باران - پل سونیزی - هاری مک‌داف و گورنال میردال را نام برد. می‌توان گفت تمام افرادی که به نحوی گوشه‌ای از بار سنگین مباحث توسعه‌نیافتگی و

توسعه‌نیافتگی را بر دوش کشیده‌اند، در تلاش بوده‌اند تا به سه سؤال مطرح در این چارچوب پاسخ گویند:

۱. توسعه‌نیافتگی یا توسعه‌نیافتگی چیست؟

۲. علت توسعه‌نیافتگی یا توسعه‌نیافتگی چیست؟

۳. راه دستیابی به توسعه اقتصادی یا راه فرار و رهایی از شرایط عقب‌ماندگی چیست؟

## مفهوم توسعه‌نیافتگی و توسعه‌نیافتگی

توسعه: توسعه مفهومی چندبعدی دارد. حتی جامعه‌شناسان طرفدار نظریه‌های کلاسیک که بیشتر نگاهی

این فرآیند جهت رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب است. با این ویژگیها می‌توان گفت توسعه عبارت است از تحول نهادها و ساختارهای جامعه اعم از مادی و غیرمادی به شیوه‌ای که توان و گنجایش بالقوه جامعه به صورت بالفعل درآمده و استعدادها سیاسی و فرهنگی آن نیز از هر جهت بارور و شکوفا شود.

با توجه به این تعریف می‌توان دریافت که هر عاملی که به نوعی در برابر تحولات نهادها و ساختارهای جامعه مقاومت می‌کند، می‌تواند سبب توسعه‌نیافتگی آن جامعه باشد. این عوامل چگونگی متعدد و پیچیده‌اند که گریز از آنها به سادگی ممکن نیست، به همین دلیل راه‌حلهایی که در این زمینه ارائه شده است نیز به همین نسبت متنوع است.

## علل و عوامل

## توسعه‌نیافتگی

۱. عوامل جغرافیایی و طبیعی
۲. دوگانگی اقتصادی
۳. تسلسلهای باطل
۴. جسمیت و توسعه‌نیافتگی

## علائم عقب‌ماندگی یا

## توسعه‌نیافتگی

شاید به دلیل نواقص کاربرد ضوابط کمی در تبیین توسعه‌نیافتگی و یا

شاید به دلیل جستجوی راهی تازه عده‌ای از اقتصاددانان کوشش کرده‌اند تا علائم و مشخصه‌های عقب‌ماندگی را به جهانیان عرضه نمایند از این شمار به نظرات کلود لوی اقتصاددان فرانسوی و جرالدمیر از استادان دانشگاه استانفورد می‌توان اشاره کرد.

اقتصادی به فرآیند توسعه داشته‌اند و عوامل مادی و غیرمادی را در تحول نهادها و ساختارهای اجتماعی نام می‌برند، هم‌اکنون توسعه را فرآیندی برمی‌شمرند که در بطن ساخت اجتماعی صورت می‌گیرد و بر ساختها اثر می‌گذارد و خود نیز از آن متأثر می‌شود بدین گونه



## توسعه‌نیافتگی و توسعه‌نیافتگی

نگاهی دوباره به نقش بخش تعاونی

در توسعه کشور

غلامعباس سوری - مراد خبشوند

وجود ندارد.

۱۷. رشد جمعیت آهسته‌تر است.  
۱۸. شهروندان جوامع صنعتی نسبت به معیارهای زندگی موجود در خارج حسادت چندانی ندارند.

مسئله تشخیص جوامع و مناطق مختلف از لحاظ توسعه‌یافتگی و یا عقب‌ماندگی به طور وسیعی نسبی می‌باشد و نمی‌توان جوامع را در مقایسه با جوامع دیگر توسعه‌یافته و یا توسعه‌نیافته عنوان کرد. به طور مثال قطر و یا کویت با توجه به درآمد سرانه بالایی که دارند باید در ردیف کشورهای توسعه‌یافته قرار گیرند ولی آیا واقعاً این گونه است؟

پل باران استاد سابق دانشگاه استانفورد کسه به سال ۱۹۶۴ در گذشت از اقتصاددانان سوسیالیست است که با اشاره به موانع توسعه و خصیصه‌های ممالک عقب‌مانده به توزیع بسیار نابرابر کل درآمد یا ثروت در این جوامع، کمبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری و فقدان وجوه لازم برای سرمایه‌گذاری، وجود نیروی انسانی بیکار، غیرشاغل یا شاغل غیرموثر و سائین بودن سطح زندگی و تجارت خارجی تک‌محصولی اشاره می‌کند.

با این مشخصات می‌توان نتیجه گرفت که مجموعه علائم برشمرده شده بهترین مشخصه‌هایی هستند که عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی، توسعه‌یافتگی و یا درجه توسعه را تبیین کرده و شناخت لازم را در این زمینه به دست می‌دهد.

هانس سینگر اقتصاددان سازمان ملل متحد می‌گوید کشور عقب‌مانده مانند یک زرافه است زیرا توصیف آن بسیار دشوار است اما هر وقت که یکی از آنها را ببینید آن را خواهید شناخت.

### تعاون و توسعه

براساس احکام مقرر در قانون اساسی قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در نیمه اول سال ۱۳۷۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. ویژگیها و امتیازات این قانون موجب شده است تا تاریخ تصویب آن به عنوان مبدأ تاریخی آخرین دوره وضع و تصویب قوانین تعاونی در ایران قرار داده شود. به موجب این قانون برای نخستین بار در

روماتو پرودی رئیس کمیسیون اروپا در گردهمایی تعاون در روز ۱۳ فوریه ۲۰۰۱ در بروکسل چنین بیان کرده است: **استعداد تعاونیها برای یکپارچه نمودن رویکرد کارآفرینی با ارزشها و مسؤولیت‌پذیری بخش دولتی و جامعه مدنی تعاونیها را به یکی از ضروریات الگوی اقتصادی و اجتماعی اروپا تبدیل نموده است. شایان ذکر است در اروپا ۱۸۰۰۰۰ تعاونی با ۸۰ میلیون نفر عضو و بیش از ۳/۲ میلیون شغل ایجاد شده در این بخش وجود دارد.**

پرداخت کمک و اعانه جهت برقراری تأمین اجتماعی و حمایت از محصولات کشاورزی.

۹. صادرات این جوامع شامل محصولات بسیاری است که برای آنها بازارهای داخلی هم وجود دارد.

۱۰. واردات آنها شامل انبوهی از تولیدات اولیه است برای محصولات وارداتی کثرت تقاضا نسبت به درآمد چندین زیاد نیست.

۱۱. جریانهای سرمایه‌ای بلندمدت و بازپرداخت سود آنها در درجه دوم اهمیت قرار دارند.

۱۲. توزیع درآمد حدوداً برابر است و معدود افرادی یافت می‌شوند که در سطح حداقل معیشت زندگی می‌کنند.

۱۳. مخارج مصرفی خانوارها برای تغذیه چندان حائز اهمیت نیست چون تولید انبوه و استاندارد شده کاملاً میسر است.

۱۴. پساندازها - عرضه پساندازها از طریق بازار سرمایه قابل تحرک است.

۱۵. سرمایه‌گذارانها در سطح بسیار بالاست.

۱۶. در بخش تجارت به دلیل کششهای درآمدی هیچ گراشی خواه از نوع حاد یا مزمن به سوی ایجاد کسری تراز پرداختها

کلود لوی در کتاب خود موسوم به جهان سوم برای تشخیص ممالک توسعه‌نیافته و عقب‌مانده علائمی را برشمرده است که به ترتیب می‌توان از این علائم به صورت زیر یاد کرد:

۱. کثرت مرگ و میر به ویژه بین نوزادان و کودکان

۲. نرخ بالای باروری و زاد و ولد

۳. بدی وضعیت بهداشت و درمان

۴. مصرف مواد غذایی در سطح پائین یا بدی وضع تغذیه

۵. کثرت تعداد بیسوادان جامعه

۶. پائین بودن مصرف انرژی روزانه

۷. کثرت تعداد بزرگسالان

۸. زیردست بودن زنان در جامعه به ویژه از نظر اجتماعی

۹. ضعف طبقه متوسط

۱۰. به کارگیری کودکان در امر تولید به عنوان کارگر

۱۱. کثرت گروههای اجتماعی به ویژه از این جهت که اجزای اجتماع فوق‌العاده زیاد است.

### ویژگیهای یک اقتصاد توسعه‌یافته از دیدگاه می‌بر

۱. نیروی کار باسواد و کارداران است و اغلب کارگران دارای شغل هستند.

۲. اغلب زمینهای موجود به زیر کشت رفته‌اند.

۳. تمامی بخشهای اقتصادی جامعه به صورتی عمیق سرمایه را مورد استفاده قرار می‌دهند و به شکل سرمایه‌داری اداره می‌شوند.

۴. بخش کشاورزی در جوامع توسعه‌یافته کاملاً تجاری است و در قبال نفعات قیمتها یا پیشرفتهای تکنیکی انعطاف‌پذیر هستند.

۵. بخش معدن دارای اندازه‌های محدود و معمولاً در دست شرکتهای محلی است.

۶. در بخش صنعت تنوع بسیار وجود دارد و صناعی که با فلزات به تولید ماشین‌آلات و وسایل نقلیه سنگین می‌پردازند کاملاً مطرح هستند.

۷. درآمدهای دولتی بستگی شدیدی به مالیاتهای مستقیم دارد.

۸. مخارج دولتی عبارت است از

طول تاریخ پیدایش و توسعه و ترویج تعاونیهای ایران به منظور کمک به تحقق اهداف تعاونی، آموزش، حمایت، پشتیبانی و نظارت بر فعالیت تعاونیهای کشور وزارتخانه مستقلی به نام وزارت تعاون از ابتدای سال ۱۳۷۱ تشکیل و شروع به فعالیت نمود. از زمانی که وزارت تعاون با انحلال سازمانهای متعدد تعاونی و انتقال پرسنل، اموال و تعهدات آنها به این وزارتخانه تشکیل گردید. موجبات توسعه و ترویج تعاون به صورتی که هیچگاه در گذشته میسر نشده بود فراهم گردید و توسعه واقعی بخش تعاون در ایران عملاً آغاز گردید. به گونه ای که هم اکنون حدود ۶۰۰۰۰ شرکت تعاونی در ایران در زمینه های مختلف تولیدی و توزیعی مشغول به فعالیت می باشند.

برخی معتقدند تعاون یک ابزار یا اهرم بسیار مناسب برای توسعه اقتصادی و اجتماعی محسوب می شود. دکتر سالارزاده عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی می گوید: تعاون می تواند همگام با سیاستهای دولت در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و بالا بردن شرایط درآمد و وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشد و از این راه بار هزینه های دولت کاهش می یابد و به تدریج شرایط توسعه فراهم می شود. فشرهای گوناگون مردم می توانند خود در مسائل اجتماعی و اقتصادی تصمیم گیرنده باشند و متناسب با برنامه های عمومی جامعه امور مربوط به خود را برعهده گیرند. بدین لحاظ جوامع و کشورهای در حال توسعه سعی می کنند نوعی نظام اقتصادی و اجتماعی برقرار کنند که علاوه بر کارآمد بودن به تحقق عدالت اجتماعی نیز کمک کند و الان برای بخش تعاون مقام خاصی را در نظر می گیرند.

نظام تعاونی در سیستم اقتصادی و اجتماعی کشور ما به عنوان شیوه اقتصادی و اجتماعی روش میانه ای است که میان نظام سرمایه داری غربی و روش دولتی و متمرکز انتخاب می شود.

دکتر ابراهیم رزاقی استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران معتقد است در کشورهای صنعتی اقتصاد آنها بنا بر خصوصی سازی پیش نمی رود. اگر در

## رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در بیانات مورخ ۷۷/۲/۲۱ فرموده اند، اساسی ترین و منطقی ترین و بنیادی ترین کارهایی که می تواند در کشور برای استقرار عدالت انجام گیرد، تعاون است. بایستی ما حداقل ۱۰ برابر وضع فعلی رشد و گسترش و کیفیت برای مجموعه تعاونی کشور در نظر بگیریم.

آلمان، آمریکا، سوئد، نروژ، فرانسه، انگلیس، سنگاپور و... تعاون نباشد چرخ اقتصادشان حرکت نمی کند. وی همچنین اظهار می دارد تعاون به نفع خرده پاهاست و روند جهانی شدن به خصوصی سازی دولتی صدمه می زند اما به تعاونی نمی تواند ضربه بزند زیرا انعطاف پذیری زیادی دارد.

رومانو پرودی رئیس کمیسیون اروپا در گردهمایی تعاون در روز ۱۳ فوریه ۲۰۰۱ در بروکسل چنین بیان کرده است: "استعداد تعاونیها برای یکپارچه نمودن رویکرد کارآفرینی با ارزشها و مسئولیت پذیری بخش دولتی و جامعه مدنی تعاونیها را به یکی از ضروریات الگوی اقتصادی و اجتماعی اروپا تبدیل نموده است. شایان ذکر است در اروپا ۱۸۰۰۰۰ تعاونی با ۸۰ میلیون نفر عضو و بیش از ۳/۲ میلیون شغل ایجاد شده در این بخش وجود دارد."

دکتر مهدی طالب معتقد است در کشورهای جهان سوم که دارای اقبال آسب پذیر و کم بضاعت است، درد آنها را غیر از تعاونی چیز دیگری نمی تواند چاره کند. اما به شرطی که تعاونی واقعی تشکیل شود نه تعاونی دلالانه و واسطه ها، اصولاً امروزه موج سوم کشورهای کمتر توسعه یافته را تعاون می دانند.

با توجه به اینکه مشکلات اصلی کشور تولید، ارزش افزوده، اشتغال، تورم، نارسائی ساختارهای اجتماعی، صادرات و توزیع ناعادلانه درآمد است در یک طبقه بندی کلی علل و عوامل بروز مشکلات در موضوعات فوق الذکر را به دو گروه کلی خارجی و داخلی می توان

تقسیم کرد. در عین حال، مسائل و مشکلات ناشی از سیاستها و تحولات اقتصادی و سیاسی جهان بر کشور اقتصاد خارج از موضوع بررسی این مقاله است. لذا علل و عوامل داخلی مشکلات اقتصادی کشور به اختصار مورد اشاره قرار می گیرد.

گرچه عوامل تاریخی - اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و فرهنگی علت معضلات جاری اقتصادی کشور است لیکن وجود این ساختارها و ترکیب فعلی اقتصاد کشور نقش بسیار قابل توجهی در وجود، حضور و ادامه مشکلات اقتصادی دارد. در عین حال، با اینکه در اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی برای اقتصاد کشور پیش بینی شده است. با این حال سهم بخشهای فوق الذکر علی رغم گذشت ۲۰ سال از پیش بینی مزبور هنوز بسیار نامتناسب است و سهم و نقش اصلی اقتصاد کشور را بخش دولتی با بیش از ۷۰٪ سهم در اقتصاد ملی ایفا می کند. از طرف دیگر بخش خصوصی گرچه از بهره وری بیشتری در مقایسه با بخش دولتی برخوردار است، اما میل به کسب سود و مازاد درآمد عملیاتی بیشتر و توزیع آن بین صاحبان سرمایه و فقدان یک نظام مالیاتی و نظارتی جامع و هدفمند، تمرکز بیش از حد ثروت و مواهب توسعه را در نزد گروهی محدود به عنوان یکی از ویژگیهای مهم این بخش مطرح می کند.

بدیهی است که تولید بیشتر و با کیفیت بالاتر، ایجاد سود و ارزش افزوده و افزایش بهره وری اگرچه لازمه رشد اقتصاد در جهت تحقق توسعه اقتصادی است اما در عین حال عارضه نارسایی در توزیع درآمدها و تضعیف عدالت اجتماعی را می تواند به ارمغان بیاورد. زیرا کنترل و نظارت بخش دولتی بر عملکرد و فرایند بخش خصوصی از طریق اجرای قوانین مالیاتی، تأمین اجتماعی، بازرگانی خارجی و... حداقل در کشور ما ضعیف و نا کارآمد است. در نتیجه توسعه بخش خصوصی به تنهایی هدف و آرمان دوم نظام توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را که

شبه رمنحه ۳۱

بسط عدالت اجتماعی است، معمولاً و به گواهی عملکرد سالهای گذشته و برخی جهات دیگر تأمین نمی‌کند.

به دلایل فوق‌الذکر برای مقابله با مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور و ساماندهی اقتصاد در چارچوب اصلاح و بهبود اساسی ساختار اقتصادی کشور همراه با کوچکتر و کارآمدتر شدن بخش دولتی و توسعه هدفمند و با نظارت بخش خصوصی، توسعه بخش تعاونی به عنوان رویکرد جدیدی برای تحقق توسعه اقتصادی همراه با بسط عدالت اجتماعی مطرح می‌شود. در ارتباط با ضرورت توسعه بخش تعاون در اقتصاد کشور سه مشخصه مهم را به شرح زیر خاطر نشان می‌سازد.

۱) در اصل ۴۴ قانون اساسی بخش تعاون به عنوان دومین بخش اقتصاد کشور تعیین شده است.

۲) رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در بیانات مورخ ۷۷/۲/۲۱ فرموده‌اند، اساسی‌ترین و منطقی‌ترین و بنیادی‌ترین کارهایی که می‌تواند در کشور برای استقرار عدالت انجام گیرد، تعاون است. بایستی ما حداقل ۱۰ برابر وضع فعلی رشد و گسترش و کیفیت برای مجموعه تعاونی کشور در نظر بگیریم. منظورم در یک برنامه ۲۰ ساله نیست، بلکه اگر تلاش و همت کنید در این برنامه سوم که در آینده‌ای نزدیک در انتظارش هستیم واقعاً شما می‌توانید اینگونه برنامه‌ریزی کنید.

۳) در طرح ساماندهی اقتصاد کشور که توسط رئیس‌جمهوری محترم پیشنهاد شده است تقدم عدالت اجتماعی در کنار سیاستها و برنامه‌های توسعه اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است.

چنین به نظر می‌رسد که پیشرفت واقعی در امر توسعه تعاونیها و استفاده از این روش به عنوان وسیله مناسبی جهت نیل به اهداف توسعه اقتصادی به گونه‌ای که در قانون اساسی به آن اشاره شده، هنگامی در دسترس خواهد بود که در کنار اقدامات عملی مؤثر، تشکیلات اداری منظمی به منظور پشتیبانی از فعالیت‌های تعاونی و ارائه خدمات لازم وجود داشته باشد.

مقابل نوسانات بازار حمایت می‌کند. نرخ بهره باید هزینه نقدینگی، هزینه عملیاتی، هزینه اداری، ریسک و اندوخته سرمایه‌شنکلیاتی را تأمین نماید. مدت وام باید با ماهیت تجارت و فعالیت مالی منطبق باشد برای نمونه تاریخ سررسید وام‌های کشاورزی باید پس از برداشت محصول و در مورد سایر فعالیتهای تجاری پس از تکمیل چرخه تولید و بهره‌برداری باشد و بازپرداخت وام باید با جریان نقدینگی منطبق باشد و وام‌های بلندمدت اغلب با نرخهای بهره بالاتری اعطا می‌شوند.

نظارت بر تخلفات مربوط به مصرف وام بخش حساسی از برنامه وام‌های مولد است. خطرات ناشی از تخلفات باید به عنوان یک عامل بالقوه سناسنی شود. این خطرات عبارتند از: طولانی بودن دوران بازپرداخت وامها، کوناهای در احتساب مجموع دیون اعضا، عدم موافقت با پرداخت وام به هنگام ضرورت، کوتاهی در برنامه‌ریزی مجدد در صورت ضرورت، عدم بکارگیری وام در اهداف اصلی، وجود تبعیض و استثناء قایل شدن نسبت به کسی.

یکی از ابزارهای نظارت بر تخلفات ایجاد یک سیستم اطلاعاتی مؤثر است. این سیستم باید حاوی سیاستها و خط‌مشی‌های پرداخت وام رویه‌های وصول باشد که الزامات قانونی و شرایط خاص انسجادیه تعاونیهای اعتباری را منعکس نماید. نظارت موفقیت‌آمیز بر تخلفات بستگی به سیاستهای نظارت بر پرداخت وام و روشهای وصول دارد.

### مدیریت منابع انسانی

اقتصاد بازار در حقیقت فرصتی را برای رشد سریعتر تعاونیها فراهم می‌کند. اما این به معنای آن است که آنها باید بعضاً در مواردی انواع تجدید ساختار را تحمل کنند. علاوه بر این تعاونیها به موازات حرکت سریع و انطباق وضعیت خود با اقتصاد جهانی مجبور به پاسخگویی به ابهاماتی درباره صرفه‌جویی ناشی از این مقیاس می‌باشند. بنابراین توسعه تعاونی چه مسیری را برخواهد گزید؟ شاید منجر به ایجاد تعاونیهای کمتر با اندازه بزرگتر شود.

در اقتصاد جهانی شرکتیهای متعدد و چندملیتی رقبای شرکتیهای تعاونی هستند که هم‌اکنون تقریباً موقعیت فابل اطمینانی از نظر صرفه‌جویی ناشی از مقیاس در بازار ایجاد نموده و خود موقعیت تعاونیها را در همان زمینه تحت‌الشعاع قرار داده‌اند. جواب به این سؤال که آیا تعاونیها می‌توانند با رقبایشان رقابت نمایند، در رهبری و مدیریت نهفته است. آنچه که تعاونیها برای پیشرفت به آن احتیاج دارند، مدیران مبتکر، دوراندیش و مدیریت حرفه‌ای می‌باشد. بنابراین برای رقابت، ملزم به سرمایه‌گذاری در جهت توسعه منابع انسانی و مهارت در عملکرد و تطبیق وضعیت خود با شرایط روز می‌باشند. علاوه بر این محیط پویا و در حال تغییر بر تعاونیهای اعتباری تأثیرگذار است. عوامل تأثیرگذار را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود: اولین گروه که عوامل خارجی هستند شامل:

- دیدگاه ویژه بانک مرکزی در مورد

مؤسسات مالی کوچک

- سرمایه‌گذاری خارجی در روستاها از

طریق سازمانهای غیردولتی

- تصویر ضعیف از تعاونیها

- محدودیتها و نظارت دولتی

و محدودیت منابع است.

دومین گروه که عوامل داخلی هستند

شامل موارد ذیل می‌باشد:

- داشتن دیدگاه اجتماعی بجای دیدگاه

تجاری

- محدودیت سهام

- سیاست قیمت‌گذاری

- سیاست مالی و اداری

به طور خلاصه تنها راه‌حل پیشرفت

تعاونیها توسعه منابع انسانی است و

بهره‌گیری از سیاستهای پیشرفته توسعه

منابع انسانی نیاز به انطباق با محیط پویا

و شرایط جدید دارد و در این زمینه نیاز

مسیرم به فراهم آوردن آموزشهای

حرفه‌ای-تربسرای مدیران و کارکنان

احساس می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

\* دبیرکل کفدراسیون اتحادیه‌ها و تعاونیهای اعتبار

آب